

مشارکت عمومی در پیشگیری از جرم: موانع و چالش‌ها

محمد کرمی^۱، علیرضا رضوی خیبر^۲، قدرت الله صادقی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۲۷

چکیده

زمینه: سیاست جنایی مشارکتی، بعنوان یکی از سیاست‌های جنایی در دهه اخیر رشد و توسعه فراوانی یافته است. یکی از ارکان این سیاست که آن را از سایر انواع آن متمایز می‌کند، مشارکت عمومی است، که به معنی گشوده شدن درهای نظام عدالت کیفری به روی جامعه مدنی و نهادهای آن است. از جمله نهادهای مدنی مؤثر و فعال در این زمینه، سازمان‌های مردم‌نهاد هستند که ساختار مخصوص به خود را دارند و از همکاری و همدلی داوطلبانه افراد جامعه در جهت نیل به هدف با اهداف از پیش تعیین شده تأسیس می‌شوند. ولی آنچه در این میان از اهمیت زیادی برخوردار است، تعیین و شناخت مفهوم مشارکت و ایجاد ارتباطی منسجم، سازنده و واقعی بین افراد جامعه از یک سو و نهادهای دستگاه عدالت کیفری از سوی دیگر است. یافته‌ها: میزان و نحوه مشارکت نهادهای مدنی و افراد جامعه با دستگاه عدالت کیفری، ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ و نظام سیاسی حاکم آن جامعه دارد. در کشور عزیزمان ایران نیز همین امر صادق است. عوامل فوق در توسعه نیافتگی (و نه توسعه یافتگی) فرهنگ مشارکت، چه در بین افراد جامعه و نهادهای مدنی و چه در بین سیاست‌گذاران سیاست جنایی کشورها تأثیرگذار است. نتیجه‌گیری: در این مقاله سعی بر آن داریم که راه‌های توسعه فرهنگ مشارکت عمومی را در سیاست جنایی ایران بطور کلی، کارکردهای سازمان‌های مردم‌نهاد و مشارکت عمومی در پیشگیری از جرم را برشماریم و ویژگی‌های مشارکت واقعی را بیان کنیم.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی مشارکتی، مشارکت، سازمان‌های مردم‌نهاد، پیشگیری از جرم.

^۱ کارشناس گرافیک و پرسنل پلیس فرماندهی انتظامی استان سمنان. پست الکترونیک: mohamad.karami@hotmail.com

^۲ رئیس پلیس راه فرماندهی انتظامی استان سمنان.

^۳ رئیس اداره عملیات پشتیبانی پلیس راه فرماندهی انتظامی استان سمنان.

مقدمه

رویکردهای مبتنی بر مشارکت جامعه مدنی و نهادهای مردمی در سیاست جنایی، بعد از جنگ جهانی دوم و از بین رفتن حکومت‌های نازیسم در آلمان و فاشیسم در ایتالیا و در پی گرایش‌های سیاسی دموکرات به وجود آمد، رشد یافت و اکنون به درجه‌ای رسیده که سیاست جنایی مشارکتی تقریباً در تمامی کشورهای جهان اول و در حال توسعه، در مرحله اجراست. کشورهای جهان سوم نیز تحت تأثیر توصیه‌های سازمان ملل متحد و حمایت‌های این سازمان، در حال بسترسازی برای مشارکت احاد مردم در سیاست جنایی خویش هستند. ایران بعنوان یک کشور در حال توسعه، چندی است که در برنامه‌های سیاست جنایی خویش، جامعه مدنی را وارد عمل کرده است. هرچند قبل از انقلاب با شکل‌گیری محاکم صلح، پایه سیاست جنایی مشارکتی پی‌ریزی شده بود، ولی بعد از انقلاب با حذف این نهادها عملاً نظام عدالت کیفری به صورت متمرکز و بدون مشارکت عمومی مردم اداره می‌شد. اخیراً با تأسیس شوراهای حل اختلاف، تا حدودی جامعه مدنی به مشارکت طلبیده شده است.

بیان مسئله

یافته‌های تحقیقات انجام شده در زمینه حقوق کیفری نشانگر این است که جوامع بشری همیشه در جهت پیشگیری از وقوع جرم و به عبارتی دقیق‌تر در زمینه جلوگیری از بزه دیدگی، تدابیر زیادی را اندیشیده بودند که معمول‌ترین آنها از طریق ارباب و تهدید به مجازات بوده است. جوامع انسانی در سیر تکاملی خود با مشاهده ناکارآمدی کم نظام عدالت کیفری متمرکز و در پی آن مطرح کردن سیاست جنایی مشارکتی، وارد عرصه جدید از گستره پیشگیری از جرم شدند. اولین نشانه‌های توجه به جامعه در مورد پیشگیری از جرم، در اندیشه‌های سزار بکاریا و سپس انریکو فری ظهور پیدا کرد (رستمی، ۱۳۸۴: ۳۹). البته ابتکار این دو نفر در توجه به جامعه نه به منظور مشارکت عمومی در پیشگیری اجتماعی از جرم، بلکه به قصد توجه به عوامل

اجتماعی جرم و مبارزه با آن‌ها از طریق اقدامات لازم در جامعه بود. با این حال رشد و توسعه جرم‌شناسی موجب شد که توجه همگان به سمت جامعه مدنی و مشارکت دادن آن در امر پیشگیری از جرم و به طور کلی سیاست جنایی معطوف شود. امروزه رویکردهای جدید پیشگیری از جرم، همچنین پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی و رویکردهای تلفیقی این دو (همچنین پیشگیری چند عاملی و چند محلی) مشارکتی کامل را فراهم کرده است. «ژرژ پیکا» جرم‌شناس فرانسوی، در خصوص توجه به مشارکت عمومی در جامعه در امر پیشگیری از جرم می‌گوید: «اگر عدالت کیفری هرگز قادر به مهار کردن تبهکاری به صورت رضایت بخشی نبوده است، باید گفت که انجام این مأموریت بیش از پیش دشوار است. عدم تناسب نظام کیفری با وظایف محول به آن امری واقعی است، بار مأموریت این نظام بی‌اندازه زیاد شده و در نتیجه کارایی آن مورد تردید قرار گرفته است. بنابراین وجود یک مرحله (نهاد) کمکی در جوار عدالت کیفری ضروری به نظر می‌رسد. همین جاست که پیشگیری اجتماعی می‌تواند زمینه خوبی بیابد» (پیکا، ۱۳۷۰: ۱۱۳). عوامل زیادی باعث شده است که جرم‌شناسان این چنین بر ضرورت مشارکت جامعه مدنی و به عبارت دقیق‌تر بر مشارکت عمومی اجتماع در سیاست جنایی موثر در این امر را چنین می‌توان برشمرد (رستمی، ۱۳۸۴: ۱۴-۱۶):

۱. علل و عوامل اقتصادی - اجتماعی:

علل و عوامل اقتصادی و اجتماعی یعنی بالا بودن هزینه‌های عدالت کیفری سنتی و بازدهی پایین و در کنار آن بی‌اعتمادی و عدم اطمینان مردم به نظام عدالت کیفری و در نتیجه موضع عمودی و از بالا به پایین بودن نظام عدالت کیفری و جدایی و فاصله عمیق بین این دو.

۲. علل و عوامل جرم‌شناسی و تحولات حقوق کیفری:

همزمان با مشخص شدن عدم کارایی نظام عدالت کیفری و در نتیجه تحولات حقوق کیفری و شکل‌گیری جرم‌شناسی دقیق، جرم‌شناسان به این نتیجه رسیدند که نظام عدالت کیفری

سنتی چه نوع سزادهی^۱ و چه نوع بازپرورانه^۲ آن به تنهایی نمی‌تواند در امر پیشگیری موفق باشد و باید جامعه مدنی بعنوان نیروی بی‌پایان و کم‌هزینه و در عین حال مؤثر به مشارکت طلبیده شود.

۳. علل و عوامل سیاسی:

همزمان با شکل‌گیری نظام‌های سیاسی جدید بعد از پایان جنگ جهانی دوم و مشارکت روزافزون مردم در عرصه‌های سیاسی و ایجاد جوامع دموکراتیک، دولت‌هایی که به نوعی از دل مردم بیرون آمدند، از مشارکت عمومی در عرصه مبارزه با جرم نیز استفاده کردند. از این جهت است که هر قدر دولت‌ها مردمی‌تر باشند و قدرت را از مردم بدانند، همان اندازه سیاست تمرکز زدایی آنها بیشتر شده و عرصه‌های مشارکتی بین دولت و مردم از جمله در پیشگیری اجتماعی از جرایم بیشتر خواهد بود. سیاست جنایی مشارکتی همانند سایر سیاست‌هایی که دولت‌ها در پیشبرد اهداف خود در زمینه‌های مختلف از قبیل عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... دارند، دارای ارکان و ساختاری است که بدون شکل‌گیری و تحقق آن ارکان، مسلماً سیاست جنایی مشارکتی به معنای واقعی خود، محقق نخواهد شد. رکن اساسی سیاست جنایی مشارکتی که آن را از دیگر سیاست‌های جنایی متمایز می‌کند، مشارکت است. مشارکت مفهوم وسیع و گسترده‌ای است که نوع و ساختار سیاسی جوامع، تاثیر مستقیمی ابتدا در پیدایش و سپس در حدود و ثغور آن ندارد. از این رو در دولت‌های اقتدارگرا، به دلیل ساختار سیاسی متمرکز آنان، اصلاً مفهوم مشارکت معنا پیدا نمی‌کند.

^۱ Retributive

^۲ Rehabilitative

مفهوم مشارکت

از واژه مشارکت معانی مختلفی از قبیل اشتراک مساعی^۱، سهیم شدن^۲، مسئولیت پذیری^۳، تقسیم کار^۴ ارائه شده است. با توجه به معانی مختلفی که از واژه مشارکت ارائه شده، مسلم است که از مفهوم آن نیز برداشت مختلفی صورت گرفته باشد. با این حال، با وجود اختلافاتی که بین برداشت‌ها وجود دارد، جملگی بر کاربرد مفید مشارکت در عرصه توسعه و رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی اتفاق نظر دارند (سعیدی، ۱۳۸۲: ۹). «ساموئل پل»^۵ از جمله افرادی است که تعریفی مرتبط با توسعه محلی مشارکت ارائه کرده است. از نظر وی مشارکت محلی^۶ فرآیندی است فعال که در آن بهره‌مندان، به جای آن که صرفاً سهمی از مزایای پروژه دریافت کنند، بر جهت‌گیری و اجرای پروژه تاثیر می‌گذارد (همان: ۱۰). وی برای مشارکت اهداف زیر را قائل شده است:

- ۱- مشارکت در هزینه‌ها.
- ۲- افزایش کارایی و اثربخشی پروژه.
- ۳- توانمندسازی بهره‌برداران از طریق آموزش‌های رسمی و غیر رسمی و فعالیت‌های آگاهی بخش.
- ۴- افزایش اختیاراتی مانند تسلط بخش‌های محروم جامعه بر منابع و تصمیماتی که بر زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد (همان: ۱۰).
- ۵- عده‌ای دیگر با دیدی کلی و کلان به مفهوم مشارکت نگرسته‌اند و آن را چنین تعریف کرده‌اند: «مشارکت عبارت است از حساس‌سازی مردم و در نهایت افزایش پذیرش و

^۱ Collaboration.

^۲ Sharing.

^۳ Sponsorship.

^۴ Division.

^۵ Samuel paul.

^۶ Community participation.

توانایی آنان برای پاسخگویی به برنامه‌های توسعه از طریق مشارکت آنها در تصمیم‌گیری، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها بر اساس تلاش‌های سازمان یافته».

ارکان مشارکت:

فعالیت‌های مشارکتی سه شاخص و ویژگی اساسی دارند که آنها را از فعالیت‌های غیرمشارکتی متمایز می‌کند که گاهی به این شاخص‌ها ارکان مشارکت می‌گویند. این شاخص‌ها عبارتند از:

- ۱- داوطلبانه بودن.
- ۲- آگاهانه بودن، بدین معنا که فعالان مشارکتی نسبت به موضوعی که به دلیل آن دور هم جمع شده‌اند اطلاع و شناخت داشته باشند.
- ۳- مسئولیت‌پذیری، یعنی فعالان مشارکت باید در قبال فعل خود و نتایج آن مسئول باشند.

کارکردهای مشارکت:

کورت اوین^۱ اندیشمند آلمانی معتقد است که: «مشارکت از ایستادگی مردم در برابر دگرگونی، نوسازی و نوآوری می‌کاهد و بر سازگاری آنها می‌افزاید. در عرصه‌هایی که مشارکت جاری است، تعارضات و اختلاف نظرها جای خود را به همکاری و حرکت در جهت یکسان سازی اهداف می‌دهد. تحقیقات نشان داده است که هر قدر مردم در امری مشارکت کنند و در تصمیمی که در سرنوشت آن تصمیم می‌گذارد، شریک شوند، خلاقانه‌تر و با احساس مسئولیت بیشتری تصمیم‌گیری و عمل می‌کنند (همان: ۱۲-۱۳). برخی از آثار مشارکت را می‌توان چنین برشمرد:

- ۱- مشارکت احساس وابستگی و علاقه‌مندی را تقویت می‌کند، اصولاً هر قدر انسان در بوجود آوردن امری مشارکت کند، به همان اندازه در حفظ و حمایت و پشتیبانی آن مصمم‌تر خواهد بود و در برابر نتایج حاصل از آن نیز تعهد و مسئولیت بیشتری خواهد داشت.

^۱ Kurt Lewin

۲- مشارکت فقدان یا کمبود نیروی انسانی و سرمایه دولتی را جبران می‌کند. مردم بعنوان نیروی بی پایان می‌توانند دولت‌ها را در انجام پروژه و برنامه‌های خود کمک کنند.

سازمان‌های مردم نهاد^۱ (تشکل‌های مردمی)

سازمان‌های مردم نهاد (غیر دولتی) از نمونه بارز و شاید بارزترین مظهر مشارکت جامعه مدنی در عرصه‌های مختلف جامعه باشند. از سازمان‌های مردم نهاد تعاریف مختلفی ارائه شده است. از جمله در سطح بین‌المللی گفته‌اند:

۱- سازمان‌های غیردولتی به هر سازمانی گفته می‌شود که دولت در تشکیل و کنترل آن دخالتی ندارد.

۲- گروهی از افراد داوطلبانه^۲ و با هدف غیرانتفاعی^۳ گرد هم می‌آیند و در سطح محلی، ملی و یا بین‌المللی فعالیت می‌کنند (سازمان ملل متحد، ۱۹۹۲).

۳- سازمان‌های غیرانتفاعی، داوطلبانه، خدمت‌گرا^۴ و توسعه‌مدار که در جهت منافع اعضا، به عنوان یک سازمان خودجوش، با سایر افراد جامعه به عنوان یک سازمان کارگر عمل می‌کند (کارگاه آموزشی سازمان‌های غیردولتی، بانکوک، ۱۹۹۸) (همان: ۳۸).

در سطح بین‌المللی واژه *NGO* برای نخستین بار در قطعنامه شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل^۵ در فوریه ۱۹۵۰، این گونه مورد استفاده قرار گرفت: «هر نوع سازمان بین‌المللی که با موافقت دولتی ایجاد نشده باشد، سازمان غیردولتی محسوب می‌شود». از آن پس واژه *NGO*^۶ بر انواع متعدد سازمان‌هایی که در درون مرزهای هر کشور فعالیت می‌کنند به کار گرفته شد (سازمان ملل، ۱۹۹۲) (همان: ۳۹). در سطح ملی نیز تعاریف ذیل برای سازمان‌های مردم نهاد ارائه شده است که عبارتند از:

^۱ *NGO*

^۲ *Voluntary*

^۳ *Non.benefit*

^۴ *Service.oriented*

^۵ *UNESCR*

^۶ *Non – governmental organization*

- انجمن تنظیم خانواده جمهوری اسلامی ایران به منظور درج اسامی و اطلاعات سازمان‌های غیردولتی در بانک اطلاعات مربوط به این سازمان‌ها مقرر کرده است که: «سازمان‌های غیردولتی و تشکل مردمی سازمانی است که: دارای تشکیلات و ساختار سازمانی باشد؛ غیردولتی باشد؛ غیر انتفاعی باشد؛ پاسخگوی نیازهای جامعه باشد؛ داوطلبانه باشد (انجمن تنظیم خانواده، ۱۳۷۹: ۶).

- سازمان‌های غیردولتی به تشکل‌هایی اطلاق می‌شوند که توسط گروهی از اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوط تاسیس شده و دارای اهداف غیرانتفاعی و غیرسیاسی باشد (روزنامه رسمی، ۱۳۸۱: ۱۳۰۹).^۱ با وجود اختلافات ذکر شده، به نظر می‌رسد تمامی این تعاریف دارای نقاط مشترکی هستند که می‌توان گفت این نقاط اساس و شالوده سازمان‌های غیردولتی را تشکیل می‌دهند. نقاط مذکور عبارتند از: ۱- غیردولتی بودن، ۲- غیر انتفاعی بودن، ۳- داوطلبانه بودن، ۴- برخورداری از شخصیت حقوقی (سعیدی، ۱۳۸۲: ۴۶-۴۷).

کارکردهای سازمان‌های مردم نهاد

سازمان‌های مردم نهاد با هر اسم و عنوان و هدفی که تأسیس شده باشند عمدتاً (مستقیم یا غیر مستقیم) دارای دو کارکرد آموزشی و یا حمایتی هستند. کارکردهای سازمان‌های مردم نهاد قابلیت‌هایی است که می‌توان مشارکتی عمومی در جهت پیشگیری از جرایم باشد. به عبارت دیگر نقطه تلاقی سازمان‌های مردم نهاد و اقدامات پلیس در جهت پیشگیری از جرم، در کارکردهای این سازمان نهفته است.

^۱ بند الف- ماده یک آیین نامه اجرایی تاسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی، مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۲۵ هیئت وزیران.

کارکرد آموزشی:

یکی از کارکردهای اساسی سازمان‌های مردم نهاد فعالیت آموزشی است بخش عمده‌ای از سازمان‌های مذکور تحت عناوینی چون انجمن‌های علمی، فرهنگی، هنری، آموزشی و... در جهت نیل و جامه عمل پوشاندن به این کارکرد، فعالیت می‌کنند و یا به عبارتی دقیق‌تر کارکرد آموزشی سازمان‌های مردم نهاد، فعالیت‌های سازمان‌های مذکور را جهت‌دهی می‌کند. حتی سازمان‌هایی که در زمینه‌های رفاهی و حمایتی فعالیت می‌کنند (مانند انجمن حمایت از کودکان، خانواده و زنان) به فعالیت‌های آموزشی نیز مشغول هستند (رستمی، ۱۳۸۴: ۱۱۹)، که این خود دلیلی بر مدعای ما مبنی بر اساس بودن کارکرد آموزشی تشکل‌های مردمی است.

کارکرد حمایتی:

سازمان‌های مردم نهاد در کنار کارکردهای آموزشی خود، کارکرد حمایتی نیز دارند که می‌توان گفت در ایران بیشترین فعالیت سازمان‌های غیردولتی در زمینه این کارکرد است (همان: ۱۳۳). سازمان‌های مردم نهاد سنتی (تشکل‌های مردمی) بیشتر از سازمان‌های مردم نهاد مدرن در این زمینه فعالیت دارند و حتی می‌توان گفت اساس شکل‌گیری این سازمان‌ها برای اجرای کارکردهای حمایتی است. سازمان‌های مردم نهاد بیشتر بر فعالیت‌های توسعه مدار تمرکز دارند، به طوری که از طریق حمایت‌هایی که انجام می‌دهند، مددجویان خود را وارد عرصه فعالیت اجتماعی - اقتصادی مفید و سازنده می‌کنند، مثلاً با آموزش حرفه ای و فنون و ارائه کمک‌های مالی آنها را وارد عرصه تولید می‌کنند که این مهم در درازمدت موجب پیشگیری پایدار از جرم می‌شود.

پیشگیری از جرم از طریق کارکردهای تشکل‌های مردمی

نخستین گام در جهت پیشگیری از مجرومیت را چنین عنوان کرده‌اند: «آموزش، تعلیم و تفهیم مفاهیمی از قبیل خوب و بد، باید و نباید، روا و ناروا، حق و ناحق، صحیح و باطل از

عواقب و تبعات بدکاری و کارکردهای پاداش‌های نیکوکاری اولین عامل هنجارمندی رفتار انسان به شمار می‌آید» (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۱۷). همه این‌ها از طریق آموزش محقق خواهد شد. بنابراین سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند با اتخاذ رویه‌های پیشگیرانه نسبت به جرم از طریق کارکردهای آموزشی خویش و البته در تعالی منسجم، هماهنگ و هدفمند با ارکان نظام عدالت کیفری از جمله پلیس، نخستین و مهمترین گام را در جهت اجرای سیاست جنایی مشارکتی پیشگیرانه بردارند. علاوه بر آموزش، پیشگیری از جرم وابسته به فراهم بودن نیازهای طبیعی و مشروع شهروندان نیز هست (همان: ۲۱۸). به عبارتی اگر بخواهیم در زمینه پیشگیری اجتماعی از جرایم موفق باشیم و بتوانیم بصورت پایدار روند روبه رشد میزان بزه‌کاری را متوقف کرده و در جهت عکس منحنی صعودی آمار بزه‌کاری حرکت کنیم، علاوه بر آموزش، ناچار از توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و تهیه نیازهای منطقی و مشروع شهروندان هستیم و اینجاست که سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند با کارکرد حمایتی خویش در جهت نیل به این هدف، بازوی سیاست جنایی کشور باشد. لازم به ذکر است صرف حمایت، برای پیشگیری پایدار از جرایم کافی نیست، بلکه آموزش نیز به عنوان کارکرد اساسی این سازمان‌ها باید بصورت فعال در این تعامل حضور داشته باشند. این سازمان‌ها افراد تحت حمایت خویش را وارد عرصه فعالیت‌های سازنده کرده و از آنها در مسیر توسعه و پیشگیری اجتماعی پایدار جرم مساعدت می‌گیرند.

بررسی مفهوم مشارکت در ایران

با توجه به مفهوم مشارکت، بنابه دلایل مختلفی فرهنگ مشارکت به معنای واقعی کلمه در ایران نهادینه نشده است. هر چند باید اذعان کرد در زمینه‌های خاصی همچون اقدامات خیرخواهانه، بدلیل حاکمیت ارزش دینی بر جامعه، مشارکت مردمی بالا است، اما حتی این مشارکت‌ها هم نمی‌تواند بیانگر وجود فرهنگ مشارکت واقعی در ایران باشد، چرا که این نوع از مشارکت‌ها اولاً نظام یافته و سازمانی نیستند، ثانیاً در حوزه کم‌دامنه‌ای رخ می‌دهند و قابل تسری به عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و همچنین عرصه نظام عدالت کیفری نیستند. در توسعه

نیافتگی مشارکت در عرصه سیاست جنایی در ایران موانع زیادی دخیل هستند که از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱- وجود موانع ذهنی و ساختاری
 - ۲- وجود نگرش ابزاری به مشارکت
 - ۳- مشارکت‌پذیر نبودن ساختار نظام عدالت کیفری
 - ۴- مشخص نبودن نقش و جایگاه مردم در سیاست جنایی و نحوه تعامل مردم و اجتماعات محلی با بخش‌های رسمی و دولتی
 - ۵- عدم آگاهی مردم از نحوه مشارکت
 - ۶- بی‌اعتمادی و نداشتن آگاهی لازم از اثرات مشارکت
 - ۷- تصور عدم تاثیر در فرآیند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری
 - ۸- ترجیح منافع مادی و گروهی بر منافع اجتماعی و عدم توجه به مصالح همگانی^۱
- موانع مذکور را می‌توان از دو عامل اصلی نظام سیاسی و فرهنگ، نشأت گرفته دانست و ذیل این دو عامل مورد بررسی قرار داد.

علل سیاسی:

آنچه امروزه در کشور جهان اول بعنوان مشارکت مطرح است، محصول سال‌ها تحولات سیاسی در این جوامع است. رشد و توسعه فرهنگ سیاسی و حرکت نظام‌های حاکم به سمت دموکراسی و مردم‌سالاری، باعث افزایش مشارکت‌پذیری دولت‌های حاکم شده است. بنابراین نظام سیاسی حاکم بر یک جامعه و نوع نگاه مسئولان دولتی نسبت به مردم و توانمندی‌های آنان، تأثیر مستقیمی بر سیاست‌های آن کشور در عرصه‌های مختلف از جمله پیشگیری اجتماعی از جرم خواهد داشت. بطوری که در یک دولت منطبق با مدل دولت اقتدارگرا، جامعه مدنی هیچ حق و

^۱ پیش‌نویس برنامه ملی پیشگیری از جرم، مرکز مطالعات راهبردی و توسعه قضایی، ۱۳۸۲.

اختیاری در پاسخ‌دهی به جرم و انحراف، چه بصورت کنشی و چه به صورت واکنشی ندارد (لازرژ، ۱۳۸۲: ۶۸) و همین موضوع در خصوص دولت‌های اقتدارگرای فراگیر نیز صادق است. ولی هرگاه نظام سیاسی به سمت مردم سالاری حرکت می‌کند (البته مردم سالاری در تمامی عرصه‌ها و نه صرفاً در عرصه سیاسی) میزان مشارکت مردم در عرصه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی افزایش پیدا می‌کند و به طبع آن مشارکت جامعه مدنی در سیاست جنایی بطور عام و سیاست جنایی پیشگیرانه بطور خاص افزایش می‌یابد. نظام سیاسی ایران به دلیل متمرکز بودن در حوزه سیاست جنایی، امکان حضور و مشارکت واقعی را برای جامعه مدنی مهیا نکرده است، آنجا که پای جامعه مدنی و مردم به میان کشیده شده است، صرفاً برای پیشبرد اهداف و اجرای برنامه‌هایی بوده است که مردم هیچ مداخله و تأثیری در شکل آنها نداشته‌اند و فقط بعنوان ابزاری برای اجرای آن برنامه‌ها در نظر گرفته شده‌اند. گرچه در سال‌های اخیر اقداماتی در جهت اتخاذ سیاست‌های انبساط و تمرکز زدایی در زمینه عدالت کیفری صورت گرفته است (مانند تاسیس شورای حل اختلاف) ولی این اقدامات برای مشارکتی قلمداد کردن سیاست جنایی ایران و پیشگیری عمومی اجتماعی کافی نیست.

علل فرهنگی:

فرهنگ هر جامعه بر رشد و توسعه فعالیت‌های مشارکتی آن جامعه بسیار تأثیرگذار است، به طوری که حرکت فرهنگ یک جامعه از خرده فرهنگ‌های محلی، قبیله‌ای و نژادی به سمت فرهنگ یکپارچه ملی، باعث می‌شود که فرهنگ مشارکتی در بین مردم جامعه رشد پیدا کند. فرهنگ جامعه ایران به شدت تحت تأثیر فرهنگ قبیله‌ای است که تا چند دهه قبل در تمامی نواحی کشور حاکم بوده و امروز نیز علاوه بر تأثیرات آن بر فرهنگ حاکم، هنوز در برخی از مناطق کشور رایج است. وجود این فرهنگ، مانع اصلی مشارکت مردم ایران در برنامه‌های ملی و حتی محلی است. شرط اصلی و اولیه مشارکت، خارج شدن از خودمحموری و خودبینی است، در حالی که از آثار قطعی فرهنگ قبیله‌ای و فردگرایی و توجه به منافع فردی و حداکثر گروهی

است، بدون اینکه منافع جمع و مصالح همگانی اهمیتی داشته باشد. علاوه بر آن، پادشاهی بودن حکومت ایران از چندین هزار سال پیش تا چهار دهه قبل، موجب شکل‌گیری نوعی فرهنگ شده است که به آن فرهنگ تابعیت گفته می‌شود و در مقابل فرهنگ مشارکت قرار دارد. در این نوع فرهنگ، مردم از دولت توقع دارند که تصدی‌گری و اجرای تمامی خدمات و اقدامات را بر عهده بگیرد، اعم از اینکه با وظایف دولت مرتبط باشد یا نباشد. در نتیجه این توقع، اندیشه لزوم مداخله و مشارکت در دستیابی به اهداف اجتماعی، رواج چندانی نمی‌یابد. همان‌طور که قبلاً بیان شد نظام سیاسی حاکم بر یک کشور و عملکرد آن با فرهنگ جامعه در ارتباط است و تأثیر متقابلی بر هم دارند. بنابراین عجیب نیست که این نوع طرز نگاه که برگرفته از مردم است وجود داشته باشد و خود را مصدر تمامی خدمات و صاحب تمامی مناصب بدانند. با توجه به آنچه اشاره شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که برنامه‌ریزان سیاسی ایران، قبل از هر اقدامی باید زیرساخت‌های مشارکت‌پذیری را در ساختار نظام عدالت‌کیفری و ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه ایجاد کنند، که البته این امر با تعامل برنامه‌ریزی شده، منسجم، هماهنگ و هدفمند بین افراد جامعه و نهادهای رسمی و غیر رسمی میسر است.

بررسی مشارکت عمومی در پیشگیری از جرم

با توضیحات مختصری که مفهوم مشارکت، سیاست جنایی مشارکتی و توانمندی بالقوه سازمان‌های مردم‌نهاد ارائه شد، در این بخش سعی بر آن است که به بررسی ساختار مشارکت عمومی در پیشگیری اجتماعی از جرایم پرداخته شود. آشنایی مختصر با تکنیک‌های مشارکت، ما را در تحقق این مهم کمک خواهد کرد. اصولاً برنامه‌ریزان هر پروژه برای مشارکت دادن مردم در فعالیت‌های خود از تکنیک‌های خاص استفاده می‌کنند که انتخاب و اتخاذ این تکنیک‌ها ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ جامعه، نظام سیاسی حاکم بر جامعه و نوع نگاه برنامه‌ریزان به مردم و جامعه مدنی دارد. تکنیک‌های مشارکت را بر اساس میزان نظم و امنیت و ساخت آن‌ها می‌توان به چهار قسمت تقسیم کرد (سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۸):

۱- تکنیک‌های سازمان نیافته و نامنظم:

تکنیک‌هایی هستند که برای ایجاد ارتباط مستقیم بین برنامه‌ریزان و مردم مطرح شده‌اند. در این تکنیک‌ها هیچ‌گونه سازمان‌دهی منطقی در خصوص تعداد شرکت کنندگان، ویژگی شرکت کنندگان و مباحث مطرح شده در جلسه وجود ندارد. این تکنیک عمدتاً با هدف تبادل اطلاعات بکار گرفته می‌شود، به طوری که مردم دیدگاه‌ها و مشکلات خود را در اختیار برنامه‌ریزان قرار می‌دهند.

۲- تکنیک‌های سازمان یافته و منظم:

با استفاده از این تکنیک‌ها برنامه‌ریزان تعداد و ویژگی‌های شرکت کنندگان را در کنترل دارند و شرکت کنندگان متناسب با نوع هدفی که وجود دارد، توسط مسئولان برنامه انتخاب می‌شوند. این تکنیک زمانی بکار می‌رود که هدف از مشارکت، آموزش یا جلب حمایت باشد.

۳- تکنیک‌های فعال:

در این نوع تکنیک، مردم در یک سری فعالیت‌های از پیش تعیین شده، بطور مستقیم شرکت می‌کنند. در این روش برنامه‌ریزان بر این که چه کسانی و چه تعدادی از مردم حضور داشته باشند و همچنین چگونگی عمل مشارکت و نوع اطلاعات فراهم شده نظارت دارند.

۴- تکنیک‌های انفعالی

در این نوع تکنیک، مردم هیچ ارتباط مستقیمی با برنامه‌ریزان ندارند و مشارکت از طریق شرکت در جلسات و ارتباط مستقیم با برنامه‌ریزان نیست.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با دقت در سیاست‌هایی که برنامه ریزان در سال‌های گذشته به اجرا درآورده‌اند، ملاحظه می‌شود که اغلب موارد مشارکت دادن جامعه مدنی در امورات است. در صورتی که انسان‌ها اصولاً در برنامه‌های مشارکت (لااقل مشارکت واقعی و دلسوزانه و متعهدانه) می‌کنند که در فرآیند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری آن شرکت داشته باشند و بتوانند، اندیشه‌ها، دغدغه‌ها و مشکلات خود را در طرح‌ریزی برنامه دخیل قرار دهند. همان‌طور که قبلاً مطمع نظر قرار گرفت، انسان‌ها به اموری که خودشان آن را ایجاد کرده باشند و یا در ایجاد آن دخالت داشته باشند، پابیندتر و متعهدتر هستند و برعکس هر قدر در فرآیند شکل‌گیری آن امور شرکت نداشته و صرفاً نظاره‌گر باشند، به همان اندازه در حفظ و نگهداری آن بی‌میل و در قبال نتایج آن غیر مسئول خواهند بود. با کمی تعمل در مفهوم مشارکت پی خواهیم برد که یکی از عناصر تشکیل دهنده مشارکت، شرکت کردن کنشگران مشارکت در مرحله تصمیم‌گیری است. حضور مردم و جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد بعنوان مظهر جامعه مدنی نتایج مثبتی برای سیاست‌گذاران هم در مرحله برنامه‌ریزی و هم در مرحله اجرا خواهد داشت. زیرا حضور مردم در مرحله برنامه‌ریزی باعث می‌شود که برنامه‌ریزان واقعیات اجتماعی را از نزدیک لمس کنند و از مشکلات واقعی و پنهان مردم خبردار شوند. این امر منجر می‌شود که تدابیر اتخاذی به جای اینکه صرفاً از ذهنیت، نوع نگاه و برداشت برنامه‌ریزان ناشی شده باشد، جنبه عینی و واقعی به خود بگیرد. در مرحله اجرا نیز مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، بعنوان مشوق روانی باعث می‌شود که در مرحله اجرای برنامه‌ها مردم خودشان را نسبت به بهتر اجرا شدن و در نتایج حاصل خودشان را مسئول بدانند و اهداف مذکور به حداکثر بازدهی و موفقیت نائل شود. بنابراین در عرصه مشارکت عمومی در پیشگیری اجتماعی از جرایم مهم‌ترین و اصلی‌ترین مرحله مشارکت دادن جامعه مدنی از جمله سازمان‌های مردم‌نهاد، مرحله تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی است. بعنوان نمونه، رویکرد پیشگیرانه محلی از جرم که امروزه در بسیاری از کشورها اروپایی مثل فرانسه، بلژیک، هلند، انگلستان بعنوان رویکرد اصلی پیشگیری از جرم به کار گرفته

می‌شود، مشارکت اقشار مختلف جامعه در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای مبتنی بر پیشگیری از جرم است. بطور کلی ایجاد فرهنگ مشارکت در بین اقشار مختلف جامعه، دولت مردان و سیاست‌گذاران عرصه مختلف کشور از جمله عرصه سیاست جنایی مستلزم ایجاد تغییر و تحول در نوع نگاه و باور سیاست‌گذاران و در طرز تلقی و باور مردم از مفهوم مشارکت است و برای تحقق آن تمامی ارکان جامعه باید در تعاملی هماهنگ، منسجم و هدفمند شرکت داشته باشند.

فهرست منابع

- بابایی، جابر (۱۳۸۹). تعامل پلیس و سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- پیکا، ژرژ (۱۳۷۰). جرم‌شناسی (علی حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- حسینی، سید محمد (۱۳۸۳). سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه تهران.
- رستمی، ولی (۱۳۸۴). سیاست جنایی در جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری دانشگاه تهران.
- سعیدی، محمد رضا (۱۳۸۲). درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد، تهران: انتشارات سمت.
- لازرژ، کریستین (۱۳۸۲). درآمدی به سیاست جنایی (علی حسینی نجفی ابرندآبادی، مترجم). نشر میزان.